

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# فقه استدلالی ۳

سطح ۲

درس ۴۹

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین امینی

آموزشیار: آقای خادمی

منخفی بودن حال حیوان خریداری شده در زمان عقد، باعث گردیده که در شرع مقدس اسلام، برای خریدار حیوان تا سه روز اختیار فسخ معامله قرار داده شود، تا در این مدت از صحت و سلامت مبیع خود اطمینان حاصل کرده و در غیر این صورت معامله را فسخ نماید.

در اصطلاح فقهی به این اختیار فسخ معامله حیوان «خيار حیوان» اطلاق می‌شود. در اختصاص این خيار به مشتری یا ثبوت آن برای بايع مطلقاً یا در صورتی که ثمن نیز حیوان باشد، میان فقها اختلاف نظر است. بررسی احکام این خيار و مستندات آن محور اصلی درس حاضر می‌باشد.

شرط کردن خيار یا به عبارت دیگر اختیار فسخ در عقد موجب ثبوت حق خيار برای کسی می‌شود که این حق برای او قرار داده شده است؛ این مساله با اصطلاح «خيار شرط» در فقه عنوان گردیده است. از نکات قابل توجه خيار شرط، امکان جعل آن برای غیر از بايع و مشتری و عدم اختصاص آن به متبايعين است.

بيع خيار یکی از مسائل حائز اهمیت است که در فقه به عنوان یکی از فروعات مهم خيار شرط است که در پایان این درس به آن اشاره و مستندات احکام آن در درس بعدی دنبال خواهد شد.

در درس گذشته احکام خيار مجلس و قسمتی از مستندات آن مورد بررسی قرار گرفت. اختصاص خيار مجلس به عقد بيع، شمول آن نسبت به معاملاتی که در غیر مجلس انجام می‌پذیرد و بررسی غایت آن از دیگر احکامی است که در ابتدای این درس مورد طرح و بررسی قرار خواهد گرفت.

## متن عربى

٣- و اما التعبير بـ «مجلس البيع» فهو من باب ذكر الفرد الغالب و إلا فلو جرى العقد حالة المشى ثبت الخيار أيضاً، لعدم تعبير النص بالمجلس.

٤- و اما ان الغاية افتراقهما دون الافتراق عن المجلس، فلتعبير الصحيحة بـ «حتى يفتراق» الظاهر فى الافتراق بينهما دون افتراقهما عن المجلس.

## ٢- خيار الحيوان

و هو ثابت لمشتري الحيوان ثلاثة أيام، و قيل: بثبوتيه لباعه أيضاً.

و إذا كان الثمن حيواناً فليلبث بثبوتيه للبائع أيضاً.

و المستند فى ذلك:

١- أما ان خيار الحيوان ثلاثة أيام، فلا خلاف فيه فى الجملة، و الروايات به مستفيضة، ففى صحيحة ابن مسلم المتقدمة: «و صاحب الحيوان بالخيار ثلاثة أيام».

٢- و اما ان الخيار للمشتري بالرغم من عدم دلالة الصحيحة السابقة عليه، فلتصريح بذلك فى جملة من الروايات الاخرى، كصحيحة على بن رئاب: «سألت أبا عبد الله عليه السلام عن رجل اشترى جارية لمن الخيار، للمشتري أو للبائع أو لهما كلاهما؟ فقال: الخيار لمن اشترى ثلاثة أيام نظرة».

٣- و اما القول بثبوتيه للبائع أيضاً، فيمكن الاستدلال له بصحيحة اخرى لمحمد بن مسلم عن أبى عبد الله عليه السلام: «المتبايعان بالخيار ثلاثة أيام فى الحيوان، و فيما سوى ذلك من بيع حتى يفتراق».

و فيه: ان بالإمكان الجمع بحمل الصحيحة المذكورة على حالة كون كلا العوضين حيواناً لصراحة صحيحة ابن رئاب فى اختصاص الخيار بالمشتري.

٤- و اما القول بثبوتيه للبائع إذا كان الثمن حيواناً، فللتمسك بإطلاق عنوان «صاحب الحيوان» الوارد فى صحيحة ابن مسلم المتقدمة، فإنه كما يشمل المشتري حالة كون المثلث حيواناً، كذلك يشمل البائع حالة كون الثمن حيواناً.

## ٣- خيار الشرط

و هو الثابت بسبب اشتراطه فى العقد للمتعاقدين أو لأحدهما أو لأجنبى.

و من أفراد الخيار المذكور بيع العين على أن يكون للبائع الخيار فى استرجاعها عند ردّ نفس الثمن - على تقدير وجوده- أو مثله- على تقدير عدمه- خلال فترة معينة. و يصطلح عليه ببيع الخيار.

كما يجوز للمشتري أيضاً اشتراط الخيار عند ردّ العين خلال فترة معينة.

## یادآوری

در درس گذشته خیار مجلس به عنوان اولین قسم از اقسام خیارات مورد بحث قرار گرفت. و بیان شد این خیار اختصاص به متبایعین در عقد بیع دارد و تا هنگامی که از یکدیگر جدا می‌شوند، استمرار دارد. در ادامه مستندات احکام خیار مجلس طرح و بررسی خواهد شد.

### اختصاص خیار مجلس به متبایعین

در روایاتی که مشروعیت خیار مجلس استفاده می‌شود، تعبیری مانند: «بیعان» و «متبایعان» آمده است. که این تعبیر مقتضی اختصاص خیار مجلس در عقد بیع برای متبایعان دارد و از اثبات آن برای عقود دیگر قاصر است.

#### بررسی قید «مجلس»

نامیدن خیار مزبور به خیار مجلس مبتنی بر ذکر فرد غالب<sup>۱</sup> است زیرا اغلب معاملات در حال نشستن بایع و مشتری در محلی منعقد می‌گردد. در نتیجه این قید مفهوم ندارد و اگر معامله در حال رفتن ایشان نیز انجام شود، تا هنگامی که این دو از یکدیگر جدا نشده باشند، اختیار فسخ معامله را دارند. زیرا در روایاتی که اصل مشروعیت این خیار ثابت شده، تعبیر «مجلس» به کار برده نشده است. بلکه آن را به صورت مطلق برای متعاقدان بعد از انجام بیع و قبل از جدائی ایشان از یکدیگر بیان کرده است.

#### غایت خیار مجلس

در صحیح‌های که از محمد بن مسلم برای اثبات اصل مشروعیت خیار مجلس ارائه شد، غایت خیار مجلس، جدا شدن بایع و مشتری از یکدیگر عنوان شده بود. لذا معیار در غایت، افتراق این دو از یکدیگر می‌باشد، و جدائی از مجلس بیع موضوعیتی ندارد. به عبارت دیگر اگر بایع و مشتری از مجلس بیع خارج شوند ولی از یکدیگر جدا نشده باشند، خیار مجلس هنوز باقی است. «FG»

احکام خیار مجلس

اصل ثبوت خیار مجلس: روایات مستفیضه مانند صحیح‌ه محمد بن مسلم.

اختصاص خیار مجلس به متعاقدین در عقد بیع: قصور در مقتضی برای اطلاق.

عدم اختصاص خیار به عقد بیع در مجلس: غالبی بون قید مجلس و عدم ذکر آن در نصوص.

غایت بودن افتراق متبایعین: مفهوم استفاد از صحیح‌ه محمد بن مسلم «حتی یفتراق».

۱. قید غالبی، از اقسام قید غیر احترازی و مقابل قید توضیحی بوده و به قیدی گفته می‌شود که بیانگر خصوصیت موجود در غالب افراد مقید می‌باشد، مانند آیه ۲۳ سوره نساء: «ربائبکم اللاتی فی حجورکم» «دختران همسران شما، که در دامان شما و تحت سرپرستی شما بزرگ می‌شوند» این قید بیان گر این است که غالب دخترانی که مادرانشان تن به ازدواج مجدد می‌دهند، در سنین کودکی بوده و تحت سرپرستی شوهر جدید پرورش می‌یابند، و از این قید، احتراز قصد نشده است.

قید احترازی، مقابل قید غیر احترازی بوده و به قیدی گفته می‌شود که برای تنگ کردن دایره موضوع حکم و خارج کردن غیر موضوع مقید، از شمول حکم نسبت به آن، در کلام می‌آید، مانند آن که مولا بگوید: «اعتق رقبة مؤمنة» برده مؤمنی را آزاد کن که در این جا قید «ایمان» برای احتراز از آزاد کردن برده کافر است؛ یعنی او را از شمول حکم آزادی خارج می‌سازد.

## تطبيق

- ۲- و اما اختصاصه بالمتبايعين و عدم شموله لمطلق المتعاقدين، فللقصور في المقتضى.
- ۲- و اما اختصاص داشتن خيار مجلس به خریدار و فروشنده و شامل نشدن آن برای همه متعاقدين، به دليل قاصر بودن مقتضى است.
- ۳- و اما التعبير بـ «مجلس البيع» فهو من باب ذكر الفرد الغالب و إلاً فلو جرى العقد حالة المشى ثبت الخيار أيضاً، لعدم تعبير النص بالمجلس.
- ۳- و اما تعبير به «مجلس بيع» پس آن از باب ذكر فرد غالب است و در حالی که اگر عقد در حال راه رفتن نیز جاری شود خيار ثابت است، به دليل اين که در روايت تعبير به مجلس نشده است.
- ۴- و اما ان الغاية افتراقهما دون الافتراق عن المجلس، فلتعبير الصحيحة بـ «حتى يفتراق» الظاهر في الافتراق بينهما دون افتراقهما عن المجلس.
- ۴- و اما اين که پايان خيار جدا شدن بايع و مشتری است نه جدا شدن از مجلس، به دليل تعبير صحيحه به «تا وقتی از يکديگر جدا شوند» که ظهور در جدایی بين آنها دارد نه اين که آن دو از مجلس جدا شوند.
- Scot ۱۰:۶:۱۰

## خيار حيوان

حقيقت خيار حيوان تسلط خریدار حيوان بر فسخ عقد تا سه روز از زمان عقد است. موضوع اين خيار خريد هر موجود زنده است. اين خيار برای خریدار حيوان بدون شك و تردید ثابت است. بعضی برای فروشنده حيوان نیز قائل به خيار حيوان شده‌اند و برخی دیگر در جائی که ثمن معامله حيوان است اين حق را برای فروشنده ثابت دانسته‌اند. در بررسی مستندات احكام خيار حيوان قول صحيح از بين اقوال مذکور روشن خواهد شد.

## مستندات

### سه روز بودن خيار حيوان

#### اجماع

در اين که مدت خيار حيوان سه روز می‌باشد، اجمالاً<sup>۱</sup> بين اصحاب اختلافی نیست.

۱. دخول دو شب در ایام خيار حيوان مسلم است؛ یعنی از آنجا که مدت خيار حيوان سه روز است لذا قطعاً در بين سه روز، دو شب داخل می‌باشد. البته دخول دو شب مذکور در ایام خيار نه از باب اين است که شب داخل مفهوم «يوم» است یعنی اين گونه نیست که کلمه «يوم» شامل زمان شب هم بشود بلکه دخول آن از استمراری که از خارج استفاده می‌شود، به دست می‌آید. اما اختلافی که در اين میان وجود دارد اين است که اگر معامله در شب انجام شود، آیا خيار در غروب روز سوم تمام می‌شود؟ تا در نتیجه مدت زمان خيار سه شب و سه روز باشد؛ یا اين که برای محاسبه خيار باید به اندازه‌ای که از شب وقوع عقد باقی مانده است به همان اندازه از روز سوم کم شود؟ برای مثال اگر در ساعت ۱۲ شب، عقد منعقد گردیده از ساعت ۱۲ تا طلوع صبح که مثلاً ۶ ساعت باقی مانده، اين ۶ ساعت جزو ایام خيار حساب می‌شود و از روز سوم کم می‌شود یا اين زمان از مدت خيار کسر نشده و خيار تا غروب روز سوم ادامه خواهد داشت؟ برای تعقیب اين بحث به کتاب مکاسب شيخ انصاری بحث خيار حيوان مراجعه شود.

روایاتی که بر سه روز بودن مدت زمان خیار حیوان دلالت می‌کنند، در حدّ استفاضه<sup>۱</sup> هستند.<sup>۲</sup>

### صحیحۀ محمد بن مسلم

در این صحیحۀ، رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «و صاحب حیوان تا سه روز خیار دارد».<sup>۳</sup> بحث از این صحیحۀ در خیار مجلس گذشت.

### اثبات خیار حیوان برای مشتری

در صحیحۀ محمد بن مسلم که برای اثبات مدت زمان خیار حیوان به آن تمسک شده است، حقّ خیار برای «صاحب حیوان» قرار داده شده و اشاره‌ای به مشتری در آن نشده است.<sup>۴</sup> لکن در روایات دیگر به تعلق این حق برای مشتری تصریح شده است. به عنوان شاهد یکی از این روایات ذکر می‌شود.

### صحیحۀ علی بن رئاب

در این روایت علی بن رئاب از محضر امام صادق علیه‌السلام دربارهٔ معاملهٔ کنیز سوال می‌کند، که در این معامله چه کسی - مشتری یا بایع یا هر دوی ایشان - حقّ خیار دارد؟ حضرت در جواب می‌فرماید: «برای مشتری تا سه روز حق خیار وجود دارد».<sup>۵</sup>

این دسته از روایات که صحیحۀ علی بن رئاب به عنوان نمونه‌ای از آن‌ها ذکر شد، در تعلق حق خیار حیوان برای مشتری صراحت دارند لذا در جانب مشتری با وجود روایات، مسئله روشن است و جای شک و شبهه‌ای باقی نمی‌ماند. اما آیا این حق برای بایع نیز ثابت است یا خیر؟ در ادامه به پاسخ این سوال با بررسی اقوال در آن پرداخته خواهد شد.

### خیار حیوان برای بایع

#### قول اول

بعضی از فقهاء برای بایع مطلقاً - چه ثمن حیوان باشد و چه نباشد - حق خیار حیوان را قائل شده‌اند. و در این فتوا به روایتی از امام صادق علیه‌السلام تمسک کرده‌اند.

### صحیحۀ محمد بن مسلم

در این صحیحۀ محمد بن مسلم از امام صادق علیه‌السلام روایت می‌کند که ایشان فرمودند: «خریدار و فروشنده در معاملهٔ حیوان تا سه روز خیار دارند و در غیر معاملهٔ حیوان تا هنگامی که از یکدیگر جدا شوند».<sup>۶</sup>

۱. برخی بسیار شنیدن یک خبر از افراد متعدّد را به حدّی که علم به آن خبر حاصل شود استفاضه می‌دانند. برخی دیگر، آن را به زیاد شنیدن خبری از یک گروه در حدّ حصول ظنّ غالب نزدیک به علم «اطمینان» تعریف کرده‌اند. و سرانجام از کلمات بعضی برای استفاضه معنای عامی که در برگزیدهٔ علم، اطمینان و مطلق ظنّ است استفاده می‌شود. «فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۱، ص: ۴۴۱».

۲. صاحب وسائل الشیعه در باب سوم از خیارات کتاب تجارت ۹ روایت را که دلالت بر ۳ روز بودن مدت خیار حیوان می‌کند، ذکر نموده است.

۳. وسائل الشیعه ۱۲/۳۴۵، باب ۱ من ابواب الخیار، حدیث ۱.

۴. وسائل الشیعه ۱۲/۳۴۵، باب ۱ من ابواب الخیار، حدیث ۱.

۵. وسائل الشیعه ۱۲/۳۵۰، باب ۳ من ابواب الخیار، حدیث ۹.

۶. وسائل الشیعه ۱۲/۳۴۹، باب ۳ من ابواب الخیار، حدیث ۲.

در این روایت حق خیار برای مشتری و فروشنده هر دو در معامله حیوان قرار داده شده است، بدون این که هیچ تفصیلی - ثمن حیوان باشد یا نباشد - در آن داده شده باشد. لذا بعضی با استناد به این روایت در معامله حیوان برای هر دو طرف «متبایعین» قائل به خیار حیوان شده‌اند.

### اشکال

با توجه به صحیحۀ علی بن رئاب که در آن به اختصاص خیار حیوان برای مشتری تصریح شده بود، باید صحیحۀ محمد بن مسلم بر مواردی که هر دو عوض حیوان هستند، حمل شود.

### نتیجه

با حمل صحیحۀ محمد بن مسلم بر مواردی که عوضین حیوان هستند، مستند قول کسانی که برای بایع به صورت مطلق قائل به خیار حیوان شده‌اند، قول اول قابل قبول نخواهد بود.

### قول دوم

در خصوص حق خیار حیوان برای بایع قول دومی نیز وجود دارد و آن این که اگر مشتری در معامله حیوان را به عنوان ثمن به بایع پرداخت نمود، برای بایع نیز خیار حیوان وجود دارد. قائلین به این فتوا به اطلاق صحیحۀ محمد بن مسلم که در بحث خیار مجلس ارائه شد، استناد کرده‌اند.

### اطلاق صحیحۀ محمد بن مسلم

در صحیحۀ محمد بن مسلم خیار حیوان به صورت مطلق برای «صاحب حیوان»<sup>۱</sup> قرار داده شده بود. و واضح است همان‌گونه که این تعبیر شامل مشتری در خرید حیوان می‌شود، شامل حال بایع در جائی که ثمن حیوان است نیز می‌شود.<sup>۲</sup>

### نتیجه

از بین دو قول مذکور درباره حق خیار حیوان برای بایع قول دوم که این حق را در مواردی که ثمن حیوان است، اثبات می‌کرد، قابل قبول و صحیح می‌باشد. «FG»

سه روز بودن خیار حیوان: صحیحۀ محمد بن مسلم از پیامبر صلی الله علیه و آله. } احکام خیار حیوان و ادله آن  
 ثبوت حق خیار برای مشتری حیوان: صحیحۀ علی بن رئاب. }  
 ثبوت خیار برای بایع بر فرض ثمن بودن حیوان: اطلاق صحیحۀ سابق ابن مسلم. }

۱. وسائل الشیعة ۳۴۵/۱۲، باب ۱ من ابواب الخیار، حدیث ۱.

۲. علاوه بر دلیل مذکور در متن برای اثبات خیار حیوان برای بایع در مواردی که ثمن حیوان است، می‌توان به جمع بین صحیحۀ علی بن رئاب و صحیحۀ محمد بن مسلم نیز استدلال نمود. زیرا نتیجه جمع بین این دو صحیحۀ نیز اثبات خیار حیوان برای بایع در مواردی که ثمن نیز حیوان است، می‌باشد.

## تطبيق

۲- خيار الحيوان و هو ثابت لمشتري الحيوان ثلاثة أيام و قيل: بثبوتہ لبايعه أيضاً.

۲- خيار حيوان و آن برای خریدار حيوان تا سه روز ثابت است و گفته شده: برای فروشنده حيوان نیز ثابت است. و إذا كان الثمن حيواناً فليلبى بثبوتہ للبايع أيضاً.

و اگر ثمن، حيوان باشد پس گفته شده: بر فروشنده نیز ثابت است. و المستند في ذلك:

و مستند در آن مطالب

۱- اما ان خيار الحيوان ثلاثة أيام، فلا خلاف فيه في الجملة، و الروايات به مستفيضة. ففي صحيحة ابن مسلم المتقدمة: «و صاحب الحيوان بالخيار ثلاثة أيام».

۱- اما این که خيار حيوان سه روز است، اجمالاً در آن اختلافی در بین علما نیست، و روایات هم در مورد آن مستفیض است، پس در صحیح بن مسلم سابق بود: «و صاحب حيوان تا سه روز خيار دارد».

۲- و اما ان الخيار للمشتري بالرغم من عدم دلالة الصحيحة السابقة عليه، فللتصريح بذلك في جملة من الروايات الاخرى.

۲- و اما این که خيار برای خریدار است با توجه به این که صحیح سابق بر آن دلالت نداشت، پس به دلیل تصریح به آن در تعدادی از روایات دیگر است.

كصحيحة علي بن رثاب: «سألت أبا عبد الله عليه السلام عن رجل اشترى جارية لمن الخيار، للمشتري أو للبايع أو لهما كلاهما؟ فقال: الخيار لمن اشترى ثلاثة أيام نظرة»<sup>۲</sup>.

مثل صحیح علی بن رثاب: «از امام صادق علیه السلام سؤال کردم درباره مردی که کنیزی را خریده، خيار برای چه کسی است، برای خریدار یا فروشنده یا هر دوی آنها؟ پس حضرت فرمود: خيار برای خریدار است تا سه روز تامل کند».

۳- و اما القول بثبوتہ للبايع أيضاً، فيمكن الاستدلال له بصحيحة اخرى لمحمد بن مسلم عن أبي عبد الله عليه السلام: ۳- و اما قول به ثابت بودن آن برای فروشنده، پس ممکن است استدلال بر آن به صحیح دیگر محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام:

«المتبايعان بالخيار ثلاثة أيام في الحيوان، و فيما سوى ذلك من بيع حتى يفترقا»<sup>۳</sup>.

«خریدار و فروشنده سه روز در حيوان خيار دارند، و در بيع غير از حيوان تا زمانی که از هم جدا شوند».

۱. كتاب المكاسب: ۲/۲۴۰.

۲. وسائل الشيعة ۱۲: ۳۵۰ الباب ۳ من أبواب الخيار الحديث ۹.

۳. وسائل الشيعة ۱۲: ۳۴۹ الباب ۳ من أبواب الخيار الحديث ۲.



و فيه: ان بالإمكان الجمع بحمل الصحيحة المذكورة على حالة كون كلا العوضين حيوانا. و اشكال این بیان: امکان دارد بین صحیحۀ علی بن رثاب و محمد بن مسلم با حمل صحیحۀ محمد بن مسلم بر صورتی که هر دو عوض حیوان باشند، جمع شود.

لصراحة صحیحة ابن رثاب فی اختصاص الخيار بالمشتري.

به دلیل این که صحیحۀ ابن رثاب در اختصاص داشتن خیار حیوان به مشتری صراحت داشت.

۴- و اما القول بثبوتہ للبائع إذا كان الثمن حیواناً، فللمسك بإطلاق عنوان «صاحب الحيوان» الوارد فی صحیحة ابن مسلم المتقدمة.

۴- و اما قول به ثابت بودن آن برای فروشنده زمانی که ثمن حیوان باشد، به دلیل تمسک به اطلاق عنوان «صاحب الحيوان» است که در صحیحۀ ابن مسلم سابق وارد شده است.

فإنه كما يشمل المشتري حالة كون المثلن حیوانا، كذلك يشمل البائع حالة كون الثمن حیوانا.

پس خیار همانگونه که وقتی مثلن حیوان است شامل مشتری می‌شود، همچنین وقتی که ثمن حیوان باشد شامل فروشنده می‌شود.

Sco ۱۷:۱۴

## خيار شرط

حقیقت خیار شرط عبارت است از تسلط دارنده حق خیار بر فسخ عقد به سبب شرط کردن خیار برای خود در عقد. به عبارت دیگر شرط کردن خیار- یعنی اختیار فسخ معامله- در عقد، موجب ثبوت حق خیار برای کسی می‌شود که این حق برای او قرار داده شده است.<sup>۱</sup> شرط کردن خیار در عقد برای هر یک از فروشنده و خریدار و نیز برای اجنبی به تنهایی یا همراه یکی از دو طرف عقد نیز صحیح است. در این صورت هر یک که عقد را فسخ نمود عقد منحل می‌شود و موافقت دیگری شرط نیست.<sup>۲</sup> «FG»

۱. خیار شرط به لحاظ زمان، حدّ معینی ندارد؛ بلکه هر مدت از زمان؛ کوتاه باشد یا طولانی، جایز است در عقد شرط شود. جایز است آغاز زمان تعیین شده متصل به عقد باشد یا منفصل از آن؛ لیکن باید معین باشد؛ به گونه‌ای که احتمال کاهش یا افزایش آن نرود و گرنه هم شرط و هم معامله باطل است.

مشهور قدما شرط کردن خیار بدون ذکر مدت را صحیح و مدت خیار را در این صورت تا سه روز دانسته‌اند.

خیار شرط، علاوه بر بیع در دیگر عقود لازم؛ اعم از معاوضی یا غیر معاوضی- جز نکاح و نیز بنا بر مشهور، وقف- جاری می‌شود. برخی آن را در ضمان، صلح، هبه لازم، رهن و بیع صرف جاری ندانسته‌اند. خیار شرط در عقود جایز و ایقاعات جاری نمی‌شود.

آیا مبدأ خیار شرط در صورت اتصال زمان آن به عقد، از زمان عقد است یا از زمان جدا شدن دو طرف معامله از یکدیگر؟ مسئله اختلافی است.

خیار شرط با تصرف دارنده خیار در کالا یا بهای آن و نیز با اسقاط خیار و سپری شدن مدت آن، ساقط می‌شود.

«فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۳، ص: ۵۴۹. با تصرف و تلخیص»

۲. همچنانی که متعاملین میتوانند برای شخص ثالث حق فسخ قرار دهند، میتوانند در ضمن عقد شرط کنند که حق فسخ برای متعاملین یا یکی از آنها پس از شور با شخص ثالث باشد، به این معنی که مشروط له با شخص ثالث مشاوره می‌نماید در صورتی که شخص مزبور نظر بر فسخ داشت و آن را صلاح دانست، خیار برای مشروط له ثابت می‌گردد و او میتواند معامله را فسخ و یا قبول نماید و در صورتی که مشاور نظر بر فسخ نداشت معامله قطعی میگردد. «حقوق مدنی، ج ۱، ص: ۴۸۸». از این معامله در فقه با عنوان «بیع موامره» یاد شده است.

اقسام خیار شرط

} اشتراط حق فسخ معامله برای متعاقدين.  
 } اشتراط حق فسخ معامله برای مشتری.  
 } اشتراط حق فسخ معامله برای فروشنده.  
 } اشتراط حق فسخ معامله برای اجنبی.

## بیع الخیار

از مصادیق خیار شرط، بیع خیار است. بیع خیار، بیعی است که در آن فروشنده شرط می‌کند که اگر در مدت معینی ثمن را - با فرض این که موجود باشد- یا مثل ثمن را - با فرض این که عین ثمن از بین رفته باشد- برگرداند، حق خیار فسخ معامله را داشته و بتواند خرید و فروش را فسخ و مبیع را به ملکیت خود بازگرداند و در صورتی که مدت معین بگذرد و قیمت را برگرداند حق خیار او ساقط شده و معامله لازم شود. همان‌گونه که برای بایع جایز است شرط کند که در صورت ردّ ثمن، در مدت زمان معینی حق فسخ معامله را داشته باشد، برای مشتری نیز جایز است که شرط نماید در صورت برگرداندن مبیع حق فسخ داشته باشد.

## تطبیق

۲- خیار الشرط و هو الثابت بسبب اشتراطه فی العقد للمتعاقدین أو لأحدهما أو لأجنبی.

۳- خیار شرط و آن ثابت است به سبب شرط کردن آن در عقد برای خریدار و فروشنده یا برای یکی از آن دو یا برای فردی غیر از آن دو.

و من أفراد الخیار المذكور بیع العین علی أن یكون للبائع الخیار فی استرجاعها عند ردّ نفس الثمن - علی تقدیر وجوده- أو مثله- علی تقدیر عدمه- خلال فترة معینة. و یصطلح علیه بیع الخیار.

و از افراد خیار ذکر شده فروختن عین است بنابراین که فروشنده در پس گرفتن آن خیار داشته باشد زمانی که عین ثمن - بنا براین که عین ثمن موجود باشد - یا مثل آن را - بنا بر این که عین ثمن موجود نباشد - در مدت زمان مشخصی به مشتری بازگرداند. و در اصطلاح به آن بیع خیار می‌گویند.

كما یجوز للمشتري أيضاً اشتراط الخیار عند ردّ العین خلال فترة معینة.

همان‌طور که برای مشتری نیز جایز است شرط کند خیار را وقتی که عین را در زمان مشخصی بازگرداند.

Sco۳♦ ۲۳:۴۳

## چکیده

۱. خیار مجلس اختصاص به متبایعین دارد و به خاطر قصور در مقتضی، متعاقدين در عقود غير از بيع را شامل نمی‌شود.
۲. تعبیر مجلس در خیار مجلس از باب ذکر فرد غالب است و اگر عقد در حال راه رفتن انجام شود، خیار در آن نیز ثابت است. زیرا در روایات ذکری از مجلس نشده است.
۳. از عبارت: «حتی یفترقا» استفاده می‌شود که در پایان زمان خیار مجلس، جدایی متبایعین از یکدیگر معتبر است و جدایی ایشان از مجلس بیع ملاک نیست.
۴. خیار حیوان تسلط خریدار حیوان بر فسخ عقد تا سه روز از زمان عقد است.
۵. صحیحه محمد بن مسلم: «و صاحب الحيوان بالخيار ثلاثة ايام» بر سه روز بودن خیار حیوان دلالت می‌کند.
۶. فقره «الخيار لمن اشترى ثلاثة ايام نظرة» در صحیحه علی بن رئاب، دلیل ثبوت خیار حیوان برای مشتری است.
۷. در صحیحه محمد بن مسلم به فقره «المتبايعان بالخيار ثلاثة ايام في الحيوان» برای ثبوت خیار حیوان برای بايع استناد شده است. اما با توجه به اختصاص خیار حیوان در صحیحه علی بن رئاب به مشتری، باید صحیحه محمد بن مسلم بر صورتی که عوضین حیوان هستند، حمل شود.
۸. با تمسک به اطلاق «صاحب الحيوان» در صحیحه ابن مسلم از پیامبر صلی الله علیه و آله، خیار حیوان در صورتی که ثمن معامله حیوان باشد برای بايع نیز ثابت می‌شود.
۹. خیار شرط، خیاری است که برای متبایعین یا یکی از آن دو یا غیر از آن دو با شرط کردن، ثابت می‌شود.
۱۰. یکی از افراد خیار شرط، بیع خیار است.
۱۱. در بیع خیار، همان طور که بايع می‌تواند شرط کند اگر عین یا مثل ثمن را در مدت زمان معینی پس بدهد مبیع به او بازگردانده شود، مشتری نیز می‌تواند شرط کند اگر عین مبیع یا مثل آن را در مدت زمان مشخص پس بدهد، ثمن به او باز گردانده شود.